

گویی کوچک، وزنی اندک

ما که مستحق برترین‌ها هستیم، چرا در رده‌بندی‌های جهانی از جایگاه مناسبی برخوردار نیستیم.



کامرون و پاکستان - که در رده‌های ۶۴ و ۶۷ می‌باشند - قرار داشته است. خالی از لطف نخواهد بود که بدانید کامرون و پاکستان به ترتیب با ترازهای جاری منفی ۳۸۳ و هزار و ۷۸۸ میلیون دلار در رده‌های ۱۰۵ و ۱۶۲ جهانی قرار گرفته‌اند، در حالی که تراز جاری کشورمان با ۲۸ هزار و ۷۷۶ میلیون دلار در رده ۱۶ جهان قرار دارد.

مشکل کار ما کجا است؟

چرا هرسال با این که از معضلات و مصایب اقتصادی کشور صحبت می‌شود، اما مشکلات همچنان به قوت خود باقی هستند؟ چرا با همه حساسیتی که در رابطه با معضلات سرمایه‌گذاری و موانع ورود و خروج سرمایه به کشور وجود دارد، اما مشکلات این بخش - که از مهمترین ارکان دستیابی به توسعه پایدار است - حل نمی‌شوند؟ نگاهی به وضعیت جذب سرمایه خارجی کشور نشان می‌دهد که ایران با در اختیار داشتن تنها ۶ هزار و ۹۵۴ میلیون دلار سرمایه خارجی، حدود ۰/۰۴ درصد سهم جهانی را در اختیار دارد و در میان ۸۶ کشور مورد مطالعه، جایگاه ۷۶ را به خود اختصاص داده است. نگران‌کننده‌تر آن است که در این رده‌بندی، کشورهایی نظیر کوبا، سودان، ماکائو و حتی کشور فقیری چون آنگولا جایگاه بهتری در جذب سرمایه خارجی در مقایسه با ایران دارند. وجود محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و قوانین دست‌وپاگیر داخلی از مهمترین عواملی هستند که باعث تنزل جایگاه کشورمان در سطوح جهانی شده‌اند. بر اساس گزارش مؤسسه فریزر در سال ۲۰۰۸ شاخص آزادی مالی و حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی در ایران با ۱/۵۴ واحد، در جایگاه ۵۶ جهان بوده است که نسبت به گزارش قبلی این مؤسسه از تنزل ۶ رتبه‌ای کشورمان خبر می‌دهد.

بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، جذب سرمایه غیرنفتی خارجی کشور در ۱۵ سال گذشته، زیر ۱۰ میلیارد دلار بوده است، در حالی که اهداف مدنظر کشور بر اساس رقم ۱۰۰ میلیارد دلاری تنظیم شده بود. سؤال این است که چرا از پتانسیل‌های کشورمان استفاده‌ای نمی‌شود؟ بخش خصوصی که راهبر اقتصاد هر کشوری است، در ایران جایگاهی ندارد. به صنعت نفت و گاز کشور بنگرید؛ صنعتی با پتانسیل‌های بسیار بالا که می‌تواند به رشد و توسعه جامعه تبدیل شود، به صندوقی برای تأمین هزینه‌های جاری دولت - که پوشاننده مخارج بی‌حساب و کتاب جاری و فاقد هرگونه توجیه اقتصادی است - بدل گشته است. علاوه بر موارد فوق، شاخص امنیت سرمایه کشور نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، چراکه حتی در میان ۲۵ کشور بررسی شده در سال ۲۰۰۸ جایگاهی نداریم. بر اساس گزارش هفته‌نامه اکونومیست که به بررسی ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای جهان پرداخته است، ایران با نمره ۶۷ از ۱۰۰ در

علیرغم تمامی تلاش‌ها و زحمات مسؤولان در سال‌های گذشته، کشورمان از یک عقب‌ماندگی اجتماعی و اقتصادی در رنج است، چراکه در ادوار گذشته و طی فرایند تکامل اقتصاد، بر اساس الگویی مدون که ماحصل نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی باشد گام برنداشته‌ایم. شرایط کشور در عمر سی ساله اخیر، همواره درگیر چالش‌ها، تنش‌ها و مشکلات کوچک و بزرگی بوده که صرف نظر از بحث‌های حاشیه‌ای، ثبات و پایداری اقتصاد را مختل نموده و گاه‌وبیگاه به تشدید معضلات اقتصادی و اجتماعی دامن زده است. اگرچه در سال‌های گذشته، شاهد پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در بسیاری از شاخص‌ها بوده‌ایم، اما فراموش نکنیم که هنوز اختلاف زیادی با کشورهای نوظهور داریم. البته باید اذعان داشت که تمام مشکلات موجود، منتج از وضعیت داخلی و مدیریت کلان کشوری نبوده است. وجود انواع تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کنار جنگ تحمیلی - که هزینه‌های گزافی بر اقتصاد کشور تحمیل نموده - گوشه‌ای از ناملایمت‌های جهانی علیه کشورمان بوده است که سبب شده اکنون جایگاه مناسبی در اقتصاد و سیاست جهان نداشته باشیم.

وجود تورم دو رقمی در دهه‌های اخیر - علیرغم تلاش تحسین‌برانگیز کارآفرینان، صنعتگران و کشاورزان کشور - عامل اصلی حرکت کُند اقتصاد و به تبع آن تنزل جایگاه جهانی ایران است. بی‌انضباطی‌های پولی و مالی دولت‌ها و بکارگیری سیاست غلط چاپ پول (به عبارتی، پولی نمودن بدهی‌های دولت‌ها) جهت جبران کسری بودجه در کنار رشد بدهی‌های خارجی از مهمترین دلایل رشد سرسام‌آور تورم و عدم بر خورداری از اقتصادی باثبات بوده است. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، کشورمان با نرخ تورم ۲۸/۲ درصدی در سال ۲۰۰۸ در کنار مغولستان و در رده پنجم گران‌ترین کشورهای جهان قرار گرفته است که این موضوع، بسیار نگران‌کننده است. اما مشکلات و معضلات جامعه فقط به تورم ختم نمی‌شوند، چراکه بر اساس گزارش بانک جهانی، کشورمان با نرخ بیکاری ۱۲/۵ درصد در میان ۱۶۰ کشور جهان در رده ۴۵ قرار گرفته است که این موضوع، نشان از اوضاع نابسامان اقتصادی و فضای دشوار کسب‌وکار دارد. علاوه بر این در ۲۰ سال گذشته، رشد اقتصادی کشورمان در میان ۲۱۴ کشور مورد مطالعه جهان، رده ۷۶ را به خود اختصاص داده است. گفتنی است رشد تولیدات صنعتی کشورمان در سال ۲۰۰۸ با نرخ ۴/۵ درصد در رده ۶۹ جهانی و پایین‌تر از کشورهایی نظیر

جایگاه ایران در رده‌بندی‌های جهانی

شاخص	میزان	رتبه	کل کشورها
آزادی اقتصادی	۴۴/۶۰	۱۶۹	۱۸۰
توسعه انسانی	۰/۷۷۷	۸۴	۱۷۹
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۵,۲۹۵ (میلیون دلار)	۱۰۱	۱۵۱
صادرات نفت	۲,۲۵۰ (هزار بشکه)	۴	۲۰۵
صادرات گاز	۶,۲۰۰ (میلیون مترمکعب)	۲۵	۱۸۲
محصول ناخالص داخلی	۳۴۳/۸ (میلیارد دلار)	۲۸	۱۸۰
محصول ناخالص داخلی سرانه	۴,۷۳۲ (دلار)	۸۵	۱۷۹
ضریب جینی	۴۴/۵۰	۸۹	۱۳۴

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» از مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی

که می‌توان به اقتصادی پویا و کارآمد دست یافت تا از این طریق بتوان به بهبود موقعیت اقتصادی کشور در جایگاه جهانی امیدوار بود.

در این میان، یکی دیگر از مسائلی که جایگاه ایران را در رده‌بندی‌های جهانی نامناسب جلوه داده است، وجود شاخص فساد و آمار و ارقام نامطلوب آن در کشور است. وجود دولت گسترده و حجیم از مهمترین دلایل افت این شاخص به شمار می‌رود. افزایش فساد اداری و مالی در ایران - که متأسفانه طی سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ شاهد رشد آن بوده‌ایم - تأثیرات بسیار زیاد و البته منفی بر بسیاری از شاخص‌های اقتصادی دارد که فرار سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، رشد اقتصادهای زیرزمینی و سیاه و به تبع آن کاهش رشد اقتصادی و رفاه عمومی از مهمترین نتایج این پدیده خواهند بود.

در نهایت با جمع‌بندی این مسائل درمی‌یابیم که جایگاه ایران در رده‌بندی‌های بین‌المللی جایگاه مناسبی نیست. بی‌شک اگر خواهان دستیابی به رکن اول اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منطقه در افق ۱۴۰۴ هستیم، ادامه راه با این روند غیر ممکن خواهد بود. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «جایگاه ایران در رده‌بندی‌های جهانی» در صفحات ۲۸ - ۲۱ می‌خوانیم.

مسیر هدفمندسازی یارانه‌ها

جراحی پیش از تشخیص

اصلاح قیمت کالاهای یارانه‌ای فقط در صورتی تأثیر تورمی کمتری دارد که به سمت تأمین کسری بودجه هدایت شود.

تورم پنهان؟

در پاسخ به این پرسش که پیامدهای تورمی "یارانه نقدی" چه می‌تواند باشد، ابتدا باید شرایط روانی و عدم تعادل‌های موجود در اقتصاد

برخی از پیامدهای طرح یارانه نقدی به اندازه‌ای شفاف است که متوسل شدن به "آزمون و خطا" برای پی‌بردن به آنها، بی‌تردید پرهزینه‌ترین راه ممکن است. از جمله پرسش‌هایی که دولت باید قبل از اجرای این طرح برای آن پاسخ شفافی داشته باشد، این است که تورم حاصل از اجرای این طرح چقدر خواهد بود و آیا اقتصاد کشور در شرایط تورمی فعلی، آمادگی مواجه شدن با چنین شرایط جدیدی را دارد یا نه؟

قبل از پاسخ به این سؤال، شاید بهتر آن باشد که منشأ صدور طرح یارانه نقدی در بوته نقد گذاشته شود. بررسی تاریخی این بحث نشان می‌دهد که طرح "یارانه نقدی"، هیچ وقت به عنوان یک راهکار برای عبور از وضعیت فعلی یارانه‌ها در میان اقتصاددانان مطرح نبوده است، بلکه روشی استدلالی بر ناعادلانه بودن روش فعلی پرداخت یارانه‌ها است. اقتصاددانان علاوه بر این که اعتقاد دارند روش فعلی پرداخت یارانه (روش غیرهدفمند) به ناکارآمدی اقتصادی منجر می‌شود، با این استدلال که اگر رقم کل یارانه به جمعیت کشور تقسیم شود، می‌توان ثابت کرد که وضعیت مالی اکثریت مردم بهتر خواهد شد و این امر نشان می‌دهد که در روش فعلی، عمده منافع حاصل از تخصیص یارانه، نصیب اقشار بسیار کمی می‌شود لذا بر اساس این استدلال، آنها معتقدند چنین روشی به شدت ناعادلانه است. حال سؤال این است که آیا یک استدلال متکی بر "برهان خلف"، برای اثبات نادرستی یک روش می‌تواند به صورت همزمان به عنوان راهکاری جایگزین مطرح شود؟ فارغ از این بحث، باید توجه کرد که تغییر روش پرداخت غیرنقدی فعلی به نقدی، هرگز به هدفمند شدن یارانه‌ها منجر نمی‌شود، بلکه تنها اتفاقی که می‌افتد آن است که انتقال یارانه، این بار در قالب نقدی صورت می‌گیرد و تفاوت‌های اندک ارقام برای دو یا سه گروه تعریف شده، باعث خروجی خاصی نمی‌شود که آن را یارانه هدفمند بنامیم.



را تجزیه و تحلیل کرد. هرگونه عدم تعادل در اقتصاد، اعم از عدم تعادل در بودجه سالانه و یا عدم تعادل در بازارهای مختلف - به‌ویژه بازار پول - علامتی از شرایط روانی نامناسب برای اجرای چنین طرح‌هایی است که می‌تواند برای همیشه امکان اجرای طرح‌هایی از این نوع را منتفی کند. اوضاع فعلی اقتصاد ایران نشان از آن دارد که رقمی بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد تومان عدم تعادل پنهان یا کسری بودجه سالانه وجود دارد که عمدتاً به صورت بدهکاری به دستگاه‌های بزرگی همانند آموزش و پرورش و نظام بانکی است و نمایندگان مجلس نیز چنین رقمی را تأیید می‌کنند. علاوه بر این، شرایط روانی برای افزایش تورم در اقتصاد به صورت پنهان وجود دارد، ولی موقتاً ظهور آن به تعویق افتاده است و افزودن هر عامل تسهیل‌کننده‌ای در جهت ظهور تورم پنهان، قطعاً خطای برگشت‌ناپذیری خواهد بود. باتوجه به چنین شرایطی، اصلاح قیمت کالاهای یارانه‌ای فقط در یک صورت می‌تواند تأثیرات تورمی بسیار کمتر داشته باشد و آن این که مستقیماً برای پرکردن چاله‌های هزینه‌ای فعلی، به سمت تأمین کسری بودجه هدایت شود و چنانچه پس از آن پولی باقی ماند، برای توزیع مجدد آن فکری شود. ساده‌اندیشی خطرناک در این میان آن است که برخی بدون توجه به تفاوت یارانه‌های شفاف و یارانه‌های پنهان در این استدلال عامیانه می‌دمند که "یارانه نقدی" به دلیل این که باعث تزریق پول و نقدینگی جدیدی به